

The impact of the emergence of Islamic fundamentalism in West Asia on the rise of far-right parties in Europe

Mahmoud Alipour ¹

Hossein Faqih Abdullahi²

Abstract

After the insecurity in West Asia and the emergence of the extremist terrorist group ISIS, we have seen the acceptance of the European people from the extreme right-wing parties in Europe. Although apparently these two issues are formed in two different geographical regions, but from the point of view of this research, there is a relationship between the growth of Islamic fundamentalism in West Asia and the rise of extreme right in Europe; Therefore, this research has emerged in response to the question that Islamic fundamentalism in West Asia has had an impact on the rise of European far-right parties? The findings show that with the emergence of fundamentalism in West Asia, the middle variable of Muslim immigration to Europe caused the extreme right parties to turn the opinion of a significant part of the voters in the elections towards the security of immigrant Muslims and linking them to the insecurities of Europe. attract; Therefore, the emergence of xenophobia and anti-immigrant discourses in the sphere of European societies by far-right parties caused these slogans to be associated with a significant reception of the people in the elections and the victory of the far-right.

¹ PhD in Political Thought, Shiraz University, Iran. alipourma@yahoo.com

² Associate Professor, Department of Political Science, Shiraz University.

Tavana.mohammad@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵

Knowledge of political interpretation

Vol 4, No 14, Winter 2022

ppt 38-52

دانش تفسیر سیاسی

سال پنجم، شماره ۱۵، بهار ۱۴۰۲

صفحات ۳۸-۵۲

تأثیر ظهور بنیادگرایی اسلامی در غرب آسیا بر قدرت یابی احزاب راست افراطی در اروپا

محمد ترابی^۱

حسین فقیه عبدالهی^۲

چکیده

بعد از بروز ناامنی‌ها در غرب آسیا و پیدایش گروه افراطی تروریستی داعش شاهد استقبال مردم اروپا از احزاب راست افراطی در اروپا نیز هستیم. هرچند به ظاهر این دو مسئله در دو منطقه جغرافیایی متفاوت شکل می‌گیرد اما از نظر این پژوهش رابطه‌ای بین رشد بنیادگرایی اسلامی در غرب آسیا و قدرت‌یابی احزاب راست افراطی در اروپا وجود دارد؛ بنابراین این پژوهش در پاسخ به این پرسش برآمده است که بنیادگرایی اسلامی در غرب آسیا چه تاثیری بر قدرت‌یابی احزاب راست افراطی اروپایی داشته است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که با بروز بنیادگرایی در غرب آسیا متغیر میانی مهاجرت مسلمانان به اروپا باعث شد تا احزاب راست افراطی از طریق امنیتی‌سازی مسلمانان مهاجر و پیوند زدن آنها به ناامنی‌های اروپا بتوانند نظر بخش قابل توجهی از رای دهندگان را در انتخابات به سوی خود جلب کنند؛ بنابراین پیدایش گفتمان‌های بیگانه‌هراسی و مهاجرت‌ستیزی در سپهر جوامع اروپایی به وسیله‌ی احزاب راست افراطی موجب

^۱ دکتری اندیشه‌های سیاسی، دانشگاه شیراز، ایران.

^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

گردید که این شعارها با استقبال قابل توجهی از مردم در انتخابات و پیروزی راست افراطی همراه باشد.

واژگان کلیدی: امنیتی سازی، اروپا، احزاب راست افراطی، اسلام هراسی، تروریسم

مقدمه

با قدرت گرفتن داعش در سوریه و عراق پس از ۲۰۱۵ شاهد بروز چالش های مختلف درونی در کشورهای غرب آسیا و گسترش نگرانی ها از جذب و تقویت مبارزان خارجی به داعش هستیم. داعش به عنوان یکی از افراطی ترین گروه های تروریستی در جهان اسلام است که حکومت اسلامی عراق و شام با نام اختصاری داعش یک گروه ستیزه جوی تکفیری است که پیرو یک آموزه وهابی از اسلام سنی است. این گروه از ژوئیه ۲۰۱۴ ادعای خلافت جهانی کرد و خود را حکومت اسلامی نامید. با این حال تبعات ظهور این گروه تروریستی و ترویج خشونت در منطقه غرب آسیا همراه با استقبال از احزاب راست افراطی در اروپا نیز بود. در غرب آسیا ترویج دگر هراسی و نپذیرفتن سایر مسلمانان خارج از اعضای داعش به عنوان مسلمانان واقعی با سلاح های جنگی و تلاش برای استفاده از خشونت و کشتار همراه بود اما در جوامع اروپایی صندوق های رای بودند که باعث میشد احزاب راست افراطی که به آنها را نژادپرست و نئونازیسم با استقبال رای دهندگان روبرو شود. از این رو پژوهش حاضر معتقد است که رابطه معناداری بین تقویت داعش در غرب آسیا و تقویت احزاب راست افراطی در اروپا وجود دارد؛ بنابراین سوال اصلی پژوهش این است که بنیادگرایی اسلامی در غرب آسیا و مهاجرت مسلمانان به اروپا چه تاثیری بر قدرت یابی احزاب راست افراطی اروپایی داشته است؟ بر طبق فرضیه پژوهش بنیادگرایی اسلامی با انجام عملیات تروریستی و جذب اعضا از کشورهای اروپایی، از یک سو موجب تقویت اسلام هراسی و از سوی دیگر امنیتی سازی مهاجران به طوری شده است که احزاب راست افراطی موضوع امنیت را دستاویزی جهت تبلیغات

انتخاباتی خود از طریق شعارهای ضد اسلامی و امنیتی سازی مسلمانان داخل کشور برای کسب رای مردم بکار گرفته اند.

چارچوب نظری

مکتب کپنهاگ^۱ یکی از جریان‌های فکری مهم در تبیین امنیت در ابعاد مختلف است. این مکتب که با «باری بوزان»^۲ و «اوله ویور»^۳ شناخته می‌شود، بر آن است که امنیتی کردن را می‌توان نوع حادی از سیاسی کردن دانست. در واقع هر مسئله عمومی را به شکل نظری می‌توان روی طیفی جای داد که از یک سو امور غیرسیاسی که دولت با آن‌ها کاری ندارد و لذا موضوع بحث و تصمیم‌گیری همگانی نیز قرار نگرفته را دربرمی‌گیرد تا سوی دیگر این طیف که در آن امور سیاسی‌ای قرار دارد که مشمول بخشی از سیاست‌گذاری همگانی بوده و مستلزم تصمیم‌گیری، تخصیص منابع از سوی دولت یا به شکل نادرتر نیازمند گونه‌ای دیگر از اراده جمعی هستند. در واقع اموری که به مثابه‌ی تهدید وجودی جلوه نموده و در نتیجه نیازمند به‌کارگیری راهکارهای اضطراری و انجام اقدام‌هایی در بیرون از رویه‌های معمول هستند، در زمره‌ی موضوعات امنیتی به شمار می‌آیند که گاه مستلزم عدول از مقررات و قوانین مستقر و حاکم هستند (Buzan and Hansen, 2009: 214). بوزان سه دلیل برای گسترده‌سازی مفهوم امنیت ذکر می‌کند. نخست، گسترده شدن مفهوم امنیت برای درک واقعیت‌های در حال تغییر جهان لازم بود. دوم، به نظر او ادعا کرد که این مفهوم دارای مطلوبیت مؤثری بود. گروه‌های مختلف جامعه خواهان «امنیتی کردن» موضوعات خاصی هستند تا دولت را مجبور کنند که آن‌ها را در اولویت قرار بدهد. سوم، مفهوم امنیت قابلیت یکپارچه‌کنندگی روابط بین‌الملل به مثابه یک رشته

¹Copenhagen School

² Barry Gordon Buzan

³ Ole Wæver

مطالعاتی را که از مرزهای سیال آشکاری برخوردار بود. بوزان استدلال کرد «تراکم فزاینده» نظام بین‌الملل واقعیت‌های جدیدی را خلق می‌کند. منظوری از «تراکم» فراوانی و پیچیدگی شبکه‌های تعامل بود که نظام بین‌الملل را به هم متصل و مرتبط می‌سازد. به سخن دیگر، تراکم یعنی تداوم و استمرار تأثیرات وابستگی متقابل و جهانی شدن. این وابستگی متقابل رو به رشد در کلیه ابعاد مفهوم گسترده شده امنیت قابل مشاهده بود. برای نمونه، پیشرفت و توسعه توانایی‌های نظامی، تخریب قطعی متقابل و جنگ فراگیر جهانی را امکان پذیر ساخت و امکان نابودی و محو نژاد بشر در اثر جنگ هسته‌ای یا حتی با ایجاد «زمستان هسته‌ای» نابودی حیات به معنای عام بر روی کره زمین را فراهم ساخت. نگرش بوزان با مفسران امنیت تفاوت بزرگی دارد و آن این است که تاکنون امنیت به‌عنوان موضوعی عینی که دارای واقعیت خارجی است و یا ذهنی که واقعیت خارجی ندارد و تابع ذهن و افکار افراد است نگریسته شده است، اما بوزان امنیت را موضوعی بین‌ذهنی تعریف می‌کند (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۲). در مکتب کپنهاگ بحث امنیتی سازی به‌صورت ویژه مورد توجه است و امنیتی کردن، همیشه بر این تصمیم استوار است که یک مسئله، بر اساس چهارچوب امنیت شکل گیرد. امنیتی کردن برای ایجاد یک اصل و روشی است که در رابطه با هرگونه مسئله‌ای بتواند در عمل، اجرای موفقیت‌آمیز داشته باشد، لذا برای امنیتی شدن هر موضوعی به‌صورت موفقیت‌آمیز می‌بایست اقدامات امنیتی ساز با شرایط محیطی و اجتماعی سازگاری داشته تا قابلیت تحمیل و اجرا داشته باشد. در همین راستا، برخی افراد جایگاه بهتری برای اعلام یک نگرانی امنیتی و پیشبرد نظراتشان در جامعه دارند، همچنین برخی مسائل آسان‌تر از بقیه امنیتی می‌شوند و برای جلب توجه مخاطب، گاه لازم است تا اقدامات امنیتی سازی را به واقعیت خارجی ارتباط دهند. اگر امنیتی دیدن موفقیت‌آمیز صورت گرفته باشد، در نتیجه سیاست‌های اضطراری تغییر می‌کند و مسئله در این چهارچوب جدید در مرکز توجه باقی می‌ماند بعلاوه از اصل بین‌ذهنی بودن مسئله امنیت دو نتیجه می‌توان گرفت: نخست آنکه، آستانه امنیتی دولت-ملت‌ها با یکدیگر

متفاوت خواهد بود و این مهم، به دیگر بازیگران متذکر می‌شود که وقتی دولت‌ها موضوعی را امنیتی می‌سازند، این یک واقعیت سیاسی است که نتایجی را نیز در پی خواهد داشت. در این چارچوب، درک و شناخت آستانه امنیتی دیگر بازیگران و به بیان دیگر، خطوط قرمز امنیتی آن‌ها و آنجا که احساس تهدید می‌کنند، برای طرح‌ریزی سیاست‌ها و راهبرد امنیتی امری ضروری است. برای مثال، فنلاندی‌ها با میانگین سه درصد مهاجر خارجی همواره نگران مسئله مهاجرت هستند، اما سوئدی‌ها با ۱۴/۷ درصد نرخ مهاجرت، هیچ‌گاه احساس ناامنی و نگرانی نمی‌کنند (جعفری فر و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۲). عملیاتی شدن امنیتی کردن، پروسه سه مرحله‌ای است: نخستین مرحله، تصویر سازی از موضوعی مشخص به عنوان "تهدیدی وجودی" برای هدف مرجع است. مرحله دوم امنیتی شدن زمانی تکمیل می‌شود که بازیگران امنیتی کننده، مخاطب را متقاعد کنند که هدف مرجع به طور جدی تهدید شده است. مرحله سوم امنیتی شدن نیز زمانی است که اقداماتی خاص (برای مثال تحریم، جنگ) برای غلبه بر تهدیدات مشخص بشود؛ زیرا با امنیتی خواندن یک موضوع، ادعای استفاده از ابزارهای فوق العاده و اقدامات خارج از رویه های سیاسی نیز ضروری جلوه داده می‌شود. تنها در این مرحله است که میتوان گفت امنیتی شدن نتایج ملموسی به دنبال داشته و چنین نتایجی امنیتی شدن را اقدامی موفق میسازند (دهشیار و نظری، ۱۳۹۸: ۴۳).

بحران امنیت در غرب آسیا و مهاجرت به اروپا

هرچند عامل اصلی مهاجرت های دهه اخیر به اروپا ماجراجویی های غرب در منطقه غرب آسیا است اما خود اروپا بعدها متاثر از سیاست های خود شد. باید گفت نخستین واکنش جدی و جامع اتحادیه اروپا به موضوع تروریسم در سال ۲۰۰۵ و در قالب راهبرد اتحادیه اروپا برای مقابله با تروریسم^۱ صورت گرفت. اتحادیه اروپا بر اساس این راهبرد متعهد به مبارزه با تروریسم در سطح جهانی شده است، در عین حال که باید حقوق بشر را رعایت

1. EU Counter-Terrorism Strategy

کند و به شهروندان خود نیز اجازه دهد در آزادی و امنیت زندگی کنند. این راهبرد چهار بعد مهم دارد:

- جلوگیری^۱ از رفتن شهروندان اروپایی به سوی تروریسم و ممانعت از شکل گیری نسل های جدیدی از تروریست ها؛
- محافظت^۲ از شهروندان و زیرساخت های حیاتی از طریق کاهش سطح آسیب- پذیری آنها در برابر اقدام های تروریستی؛
- پیگرد و تعقیب^۳ تروریست ها و بازجویی از آنها، ممانعت از برنامه- ریزی، سفر و ارتباط میان تروریست ها و مسدود ساختن منابع مالی تروریست ها و محاکمه آنها؛ و نشان دادن واکنش^۴ هماهنگ از طریق آماده بودن برای مدیریت و کاهش پیامدهای حمله های تروریستی احتمالی و ارتقای سطح ظرفیت های موجود برای برطرف ساختن نیازهای قربانیان (European Commission, 2017).

با این حال جنگ، ناامنی، تخریب زیرساخت های اقتصادی و رشد تروریسم تکفیری عوامل اصلی بروز حوادث تروریستی و مهاجرت صدها هزار نفر از مردم و آوارگان این مناطق به اروپا شد. در حالی که شتاب فعالیت های اتحادیه اروپا در حوزه مهاجرت و پناهندگی در سال ۲۰۰۸ با مصوبه شورای اروپا با عنوان « پیمان اروپایی مهاجرت و پناهندگی »^۱ افزایش یافته بود و هدف این پیمان افزایش نفوذ فراملی اتحادیه اروپا بر سیاست های خارجی دولت ها در مورد مهاجرت و پناهندگی در سطوح ملی بود تا با توجه

1. Prevention

2. Protection

3. Pursuit

4. Response

¹ European Pact on Immigration and Asylum

به نیاز بازار اروپا به نیروی کار مهاجرت نقش موثری در رشد اقتصادی اعضا بداند و از این رو قطع جریان مهاجرت غیرممکن توصیف و تاکید شد که رویکرد جهانی به مهاجرت باید در برگیرنده همکاری نزدیک بین کشورهای مقصد و مبدا و ترانزیت باشد (پرویزی و پرویزی، ۱۳۹۴، ۱۷۰). ولی از آنجا که نزدیک به دو میلیون مسلمان، عمدتاً مهاجر مرد و پناهنده در طول سال‌های ۱۶-۲۰۱۵ وارد این قاره شده‌اند. طبق نظرسنجی یوروبارمتر^۱ در بهار ۲۰۱۸، اروپائیان مهاجرت و تروریسم را دو مهم‌ترین مسئله پیش روی اتحادیه اروپا ذکر می‌کنند (KIRCHICK, 2019).

حال با وقوع حوادث تروریستی است که احزاب راست بر طبق مکتب کپنهاگ برای امنیتی کردن موضوع مثل مهاجرت مسلمانان تلاش می‌کنند تا اینکه مسلمانان را به حملات تروریستی پیوند زنند. به نظر آنها مسلمانان شهروندانی خواهند بود که تهدید امنیتی برای اروپاییان بوجود خواهند آورد. گسترش تبلیغات و ارائه آمارهایی چون حملات تروریستی مرتبط با مسلمانان در ایجاد این تصور که آنان خطری برای امنیت محسوب می‌شوند را تقویت خواهد کرد. از این رو اسلام هراسی می‌تواند به ترس از مسلمانان و مهاجران آنها تبدیل شود. بعد از حمله تروریستی، شورای اروپا فهرستی از اهداف راهبردی برای مقابله با تروریسم و همچنین فهرستی از سازمان‌ها و گروه‌هایی که اقدام به اعمال تروریستی می‌کند را برشمرد. در این فهرست که هر ساله مورد تجدیدنظر و بازبینی قرار می‌گیرد، از ۴۵ فرد تروریست و ۳۶ سازمان و گروه‌های تروریستی یاد شده است.^۲ از بین تعداد گروه‌ها و افراد تروریستی، بیش از نیمی از آن افراد و گروه‌ها و سازمان‌های اسلامی تشکیل می‌دادند، البته گروه‌هایی که یا در خاورمیانه مستقر هستند یا به نوعی از سوی منطقه خاورمیانه مورد حمایت قرار می‌گیرند. لذا حساسیت نسبت به مسلمانان از این لحاظ مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین این بستر که رابطه‌ای بین عملیات تروریستی در اروپا و مسلمانان

¹ Eurobarometer

² unhcr.2006. the state of the world's refugees 2006: human displacement in the new millennium, oxford: oxford university press.p.5

وجود دارد در صحن فکری و سیاسی اروپا شکل گرفت که موجب بیشترین بهره برداری را برای احزاب مشخصی به نام احزاب راست افراطی فراهم کرد. امنیتی کردن، همیشه بر این تصمیم استوار است که یک مسئله، بر اساس چهارچوب امنیت شکل گیرد. امنیتی کردن برای ایجاد یک اصل و روشی است که در رابطه با هرگونه مسئله‌ای بتواند در عمل، اجرای موفقیت‌آمیز داشته باشد، لذا برای امنیتی شدن هر موضوعی به صورت موفقیت‌آمیز می‌بایست اقدامات امنیتی ساز با شرایط محیطی و اجتماعی سازگاری داشته تا قابلیت تحمیل و اجرا داشته باشد. در همین راستا، برخی افراد جایگاه بهتری برای اعلام یک نگرانی امنیتی و پیشبرد نظراتشان در جامعه دارند، همچنین برخی مسائل آسان‌تر از بقیه امنیتی می‌شوند و برای جلب توجه مخاطب، گاه لازم است تا اقدامات امنیتی سازی را به واقعیت خارجی ارتباط دهند. اگر امنیتی دیدن موفقیت‌آمیز صورت گرفته باشد، در نتیجه سیاست‌های اضطراری تغییر می‌کند و مسئله در این چهارچوب جدید در مرکز توجه باقی می‌ماند (روی، ۱۳۸۲: ۶۸۵-۷۰۸).

باید یاد آور شد که در ادبیات سیاسی، راست‌گرا^۱ به فرد یا گروهی از افراد دست‌راستی گفته می‌شود که به محافظه‌کاری، ارتجاع، اقتدارطلبی، سنت‌گرایی یا فاشیسم و نازیسم و برحسب مورد لیبرالیسم اعتقاد دارند و طرفدار طبقات متمایز و مخالف اصلاحات سریع و بنیادی هستند (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۵۹۴). احزاب راست با عناوینی چون راست رادیکال، پوپولیسم، نئونازیسم، نئوفاشیسم نیز خوانده می‌شوند. با ای حال واقعیت حاکی از آن است که درباره رشد احزاب پوپولیسم در اروپا که توسط دانشمندان برجسته سیاسی با پوشش انتخابات ملی در ۳۱ کشور اروپایی طی دو دهه انجام شد نشان می‌دهد که آرای پوپولیستی از سال ۱۹۹۸ به سه برابر رسیده است و یک رأی از هر چهار اروپایی به پوپولیست بوده است. بیست سال پیش، پوپولیستی‌ها به ندرت در حکومت بودند: فقط ۱۲,۵ میلیون اروپایی در کشورهایی زندگی می‌کردند که حداقل یک عضو کابینه آن

¹ Rightist

پوپولیست بود. امروز این رقم به ۱۷۲ میلیون نفر رسیده است. هرچند احزاب پوپولیستی را به طور یکسان در سه طیف راست، چپ و میانه قرار میگیرند، اما خیزش غیرقابل مقاومت به راست است. یک واقعیت اساسی است. پوپولیست های راست گرا نزدیک به سه برابر آراء خود را، یعنی کمتر از ۵ درصد در سال ۱۹۹۸ را به حدود ۱۴ درصد در سال ۲۰۱۸ رسانده اند. (Theguardian, 2018).

تأثیر مهاجرت در موفقیت احزاب راست افراطی

همان طور که در چارچوب نظری بیان شد عملیاتی شدن امنیتی کردن شامل تصویر سازی از موضوعی مشخص به عنوان تهدیدی وجودی و اقناع مخاطب و اقداماتی خاص (برای مثال تحریم، جنگ) است. بر طبق فرضیه پژوهش بنیادگرایی اسلامی با انجام عملیات تروریستی و جذب اعضا از کشورهای اروپایی، از یک سو موجب تقویت اسلام هراسی و از سوی دیگر امنیتی سازی مهاجران به طوری شده است که احزاب راست افراطی موضوع امنیت را دستاویزی جهت تبلیغات انتخاباتی خود از طریق شعارهای ضد اسلامی و امنیتی سازی مسلمانان داخل کشور برای کسب رای مردم بکار گرفته اند؛ بنابراین در ادامه به مسئله تقویت اسلام هراسی، امنیتی سازی مسلمانان در چارچوب نظری پرداخته خواهد شد.

۱- تقویت اسلام هراسی

تصویر سازی از موضوعی مشخص به عنوان تهدیدی وجودی و اقناع مخاطب است از همین رو حوادث تروریستی در پاریس که توسط داعش اجرا شد، خشم اروپاییان را برانگیخت و تهدید جدی انگاشته شد. جریان های ضد اسلام از این فرصت استفاده کرده و علیه مسلمانان تظاهرات کردند برای نمونه، مهاجمان در فرانسه به مسجدی حمله کرده و در سالن مسجد عبارت های «زنده باد فرانسه» یا «فرانسه بیدار شو» نوشتند. در اسپانیا افراد ناشناس، با حمله یکی از مساجد آن را آتش زدند بدون اینکه پلیس دخالت کند یا فردی

را دستگیر کند. در هلند نیز افراد ناشناس تلاش کردند در شهر روزندال وابسته به استان برابنت در شمال این کشور، مسجدی را که توسط مغربی‌های ساکن منطقه اداره می‌شود، آتش بزنند (مهتدی، ۱۳۹۷: ۵۱). گسترش هویت اسلامی در اتحادیه اروپا و تضعیف هویت مسیحی، دگرگون شدن بافت اجتماعی کشورهای مسیحی و گسترش فرهنگ اسلامی و حجاب، تغییر بافت جمعیتی کشورهای مهم اروپا به نفع مسلمانان، گسترش مساجد و نمادهای اسلامی در اروپا و فراگیر شدن حس اسلام ستیزی در اروپا از جمله محورهای عمده نگرانی اجتماعی و هویتی احزاب افراطی است (مهتدی، ۱۳۹۷: ۶۶). نگرانی آنها از مسئله جهاد باعث میشود که مسلمانان مهاجر را به امنیت نیز گره بزنند. به خصوص اینکه گرایش تدریجی به سوی احزاب افراطی از سوی رأی‌دهندگان با نكوهش دولت‌های خود به واسطه انفعال در مقابل بحران به وجود آمده است. اگرچه این روند فراگیر و عام نیست، اما آهنگ رشد آن در برخی از اعضای اتحادیه به صدا درآمده است. از این رو، هم‌اکنون ما شاهد پیدایش گفتمان‌های بیگانه‌هراسی، مهاجر ستیزی، اتحادیه‌گریزی، ملی‌گرایی افراطی در سپهر جوامع اروپایی هستیم. در واقع، بحران‌های اقتصادی به راست افراطی این اجازه را می‌دهد که با انتقاد از برنامه‌های احزاب حاکم در قدرت سیاست‌های آنها را ناکارآمد نشان بدهد و با بزرگنمایی وخامت اوضاع کنونی و سردادن شعارهای بحران بر ضد نفع مردم بومی و یا نابودی منابع توسط دولت برای خود طرفدارانی جذب کند (Perrineau, 2016)؛ بنابراین مسئله اسلام‌هراسی پیوند با امنیت و مهاجران پیدا میکند. اسلام‌هراسی و ستیز با اسلام موضوعی بود که از پیش نیز مدنظر احزاب برای بهره‌برداری در سیاست بود همان‌طور که رهبر حزب آزادی در سال ۲۰۱۰ در مورد حق حیات اسرائیل و حق دفاع اسرائیلیان از خود در برابر ترور توسط مسلمانان تأکید کرد^۱. این حزب با مهاجرت مسلمانان به اروپا معتقد است که جامعه به سبب حضور مسلمانان ایدئولوژیکی و اسلامیزه خواهد شد. آن‌ها اشاره می‌کنند که بسیاری از رهبران افراطی‌های غیر خشن

^۱ <http://www.tabyincenter.ir/qadim/index.php/rasad/1395052004>

برای پایه‌گذاری یک دولت شریعت مدار در درون دولتی دموکراتیک تلاش می‌کنند و سرانجام در آرزوی تأسیس دولت اسلامی فراملی به سر می‌برند (vidino, 2010:208-209). در اقدام پس از تصویر سازی از موضوعی مشخص به عنوان تهدیدی وجودی و اقناع مخاطب و اقداماتی خاص است در همین راستا است که مخالفت با عضویت ترکیه به‌عنوان کشور مسلمان در اتحادیه اروپا است. با حساسیت بالا در این میان حزب آزادی حساسیت بسیاری روی ترک‌ها دارد و شاید از دلایل آن این باشد که اکثر مسلمانان این کشور را ترک‌ها تشکیل می‌دهند. آن‌ها برای القای ترس در خصوص وضعیت ترکیه حتی به دنبال نشان دادن دیکتاتوری و دور بودن ترکیه از دموکراسی هستند. هانس کریستین اشتراخه رئیس حزب راست افراطی اتریش نیز درباره تحولات کودتای نافرجام پانزدهم ژوئیه می‌گوید که کودتای نافرجام ترکیه و اقدامات رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری این کشور در پاک‌سازی گسترده نهادهای دولتی، یادآور بهره‌گیری سیاسی آدولف هیتلر از حادثه آتش‌سوزی مجلس آلمان در دوران حکومت نازی‌هاست. وی در مصاحبه با روزنامه دای پرس مدعی شد این فرض و گمان وجود دارد که اینیک کودتای هدایت‌شده باهدف فراهم نمودن امکانیک دیکتاتوری ریاستی به رهبری اردوغان بوده است (دهشیری و جعفری فر، ۱۳۹۷:۹۱). به‌عنوان مثال جریان اروپاییان وطن پرست علیه اسلامیزه کردن غرب موسوم به پگیدا" توسط لوز معروف جریان راست افراطی در آلمان است که در اکتبر ۲۰۱۴ در شهر درسدن ۳ مالک یک آژانس تبلیغاتی بنیانگذاری شد. این جریان راستگرای ضد اسالمی و ضد باخمان مهاجرت، توجه بسیاری از تحلیل‌گران بینالمللی را به خود جلب کرده است. حملات تروریستی در اروپا از جمله حمله ۷ ژانویه در پاریس به دفتر مجله شارلی ابدو فرصت مناسبی را برای پگیدا فراهم کرد تا با نیروی مضاعف از ادعاهای افراطی خود را دنبال کنند. حتی این جریان در مدت کوتاهی توانست در کشورهایی چون اتریش، نروژ، دانمارک و لهستان طرفدارانی را به دست آورد. با ظهور داعش در سوریه و عراق و متعاقب آن هجوم پناهندگان این کشورها به آلمان، جریان

راست افراطی توانست مخاطبین زیادی را با خود همراه کند و بر تعداد طرفداران خود را بیفزاید. به همین خاطر امروزه در جوامع اروپایی محدودیت‌ها و تبعیضات نژادی در قبال مسلمانان مهاجر به‌ویژه نسل دوم مسلمانان به عنوان غیر وجود دارد. محدودیت‌هایی در رابطه با اشتغال، حجاب و پوشش سر، موانع اداری در ساخت مساجد جدید یا توسعه مساجد قدیمی، اکراه دولتهای اروپایی برای کمکهای مالی به مدارس اسامی و در همان حال پشتیبانی مالی از شمار زیادی از مدارس یهودی، کاتولیک و پروتستان، علیه مهاجران مسلمان اعمال می‌شود (محمدنیا و علیپور گرجی، ۱۴۰۰: ۱۵۰).

۲- امنیت‌سازی مسلمانان

تصویر سازی از موضوعی مشخص به عنوان تهدیدی وجودی و اقلیت مخاطب است. حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و پس از آن اقدام‌های تروریستی در لندن، مادرید، پاریس و بروکسل باعث شد که مهاجرت به تروریسم پیوند بخورد. احزاب افراطی از این فرصت استفاده کردند و موج جدیدی از اسلام ستیزی را در اروپا به راه انداختند که منجر به اقبال شهروندان به گفتمان احزاب راست شد. کاس مود^۱ در بیست و شش تعریفی که از راست افراطی بررسی کرده، حداقل پنجاه و هشت مولفه متفاوت را یافته است. با این حال فقط پنج جنبه در دست کم نیمی از تعاریف مورد اشاره شده است: ملی‌گرایی، نژادپرستی، بیگانه‌هراسی، ضدیت با دموکراسی و درخواست دولت قوی (دهشیری و قاسمی، ۱۳۹۵: ۴۳-۴۲)؛ بنابراین، بنابراین بهره برداری سیاسی راست افراطی چنان است که آنها سعی کردند تا با اتخاذ سیاست‌های ضد مهاجرت و اسلام ستیز نظر مردم را به سوی خود جلب نماید. آنها بین امنیت و مهاجرت یک پیوند بسیار نزدیک ایجاد کردند و با اشاره انگشت اتهام به سوی مهاجران و نه عاملان تروریستی کل مسلمانان را یک خطر بزرگ برای امنیت ملی نشان دادند. تبلیغات و برانگیختن احساسات رای دهندگان در

¹ Cas Mudde

نهایت موجب ایجاد پله‌ی ترقی در انتخابات برای راست افراطی شد تا برای پیشبرد مشروعیت و جایگاه خود از بیگانه‌هراسی استفاده کند. برای مثال به خاطر عملیاتی که افراط‌گرایان اسلامی در کشور فرانسه ایجاد کردند جبهه ملی فرانسه فرصت مناسبی برای عرض اندام خود پیدا کرد. از نظر این حزب وجود مسلمانان سبب ترویج افکار افراطی در خاک این کشور می‌شود. همچنین تحقیقات حاکی از آن است که در میان کشورهای اروپایی بیشترین نفرت از فرانسه، انگلیس و آلمان به سوریه عزیمت کرده‌اند (Keohane, 2008). آنها مسلمانان را شهروندان ناشکیبا میدانند و منظور از ناشکیبایی یعنی پایبندی مسلمانان به شریعت اسلام و اجرای احکام آن مثلاً حزب راست‌گرای آزادی همواره مواضع تندی بر ضد مسلمانان اتخاذ کرده است. در اواخر دهه ۹۰ میلادی حزب به مسئله نفوذ اسلام رادیکال حمله کرد و سپس با گسترش دامنه این موضوع، روند اسلامی شدن و افزایش تعداد مسلمانان را به‌طور کلی مورد هجمه قرارداد (meret, susi, 2010). موضوع مرتبط با بحث مهاجرت و پناهندگی، تروریسم است. در واقع، مسئله تروریسم برای اتحادیه اروپا تنها ترور تعدادی از شهروندان و یا آسیب‌رساندن به اماکن عمومی خود نیست، بلکه مجموعه‌ای از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سبک‌های مدیریتی و الگوی حکمرانی و همگرایی در این اتحادیه و دولت‌های عضو آن را نشانه گرفته است. تروریست‌های جهادی در اروپا دو دسته‌اند؛ یا به‌طور مستقیم از خاورمیانه و شمال آفریقا وارد اروپا شده‌اند و دست به ترور می‌زنند و یا ساکن و زاده اروپا هستند و تحت تاثیر آموزه‌ها و القاء‌های فکری و در حمایت از گروه‌های تروریستی دست به انجام عملیات می‌زنند. در کنار این ظرفیت بالقوه کنش‌گری در زمینه عملیات تروریستی، جولان گروه‌های تروریستی در غرب آسیا و شمال آفریقا و شکنندگی دولت‌های ملی سبب ایجاد بحران پیچیده پناهجویی و هجوم پناهجویان به اروپا شده است برآوردهای مقام‌های اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که پنج هزار شهروند اروپایی برای پیوستن به داعش و سایر گروه‌های تروریستی از کشورهای خود خارج شده‌اند. حمله‌های تروریستی انجام شده در

نوامبر ۲۰۱۵ در پاریس و بمب‌گذاری‌ها در مارس ۲۰۱۶ در بروکسل به خوبی بیانگر امکان وقوع حمله‌های تروریستی دیگر در دولت‌های عضو اتحادیه است. این حمله‌های تروریستی همگی توسط شهروندان اروپایی انجام شده بود؛ شهروندانی که برخی از آنها در سوریه و عراق نیز حضور داشته‌اند. مقام‌های اروپایی همچنین در خصوص خطرهای مرتبط با تروریست‌های گرگ تنها نگران هستند، زیرا ممکن است تحت تاثیر تبلیغات گروه داعش دست به اقدام بزنند. به عنوان نمونه، حمله‌های انجام شده در شهرهای نیس فرانسه و برلین آلمان در سال ۲۰۱۶ و استکهلم سوئد در اوایل سال ۲۰۱۷ با استفاده از وسایل نقلیه انجام شد. این حمله‌ها همراستا با تبلیغات داعش صورت گرفت که در آن طرفداران این گروه تشویق می‌شوند با هر وسیله‌ای به کافران البته از دید این گروه تروریستی حمله کنند (نورعلیوند، ۱۳۹۶: ۱۸۱-۱۸۰).

همان طور که بیان شد گفتمان رهبران سیاسی احزاب راست افراطی که برای به دست آوردن مشروعیت سیاسی، خود را مدافع ارزش‌های ملی می‌دانند در واقع از مهم‌ترین حوادث اخیر اروپا است. این گفتمان می‌تواند در ورای مرزهای داخلی یک کشور نیز تأثیرات خود را بگذارد و علاوه بر آنکه در سطح جامعه تکثیر بیابد، به عنوان یک عامل فعال و تعیین‌کننده در بس هنجار یا سیاست خارجی خود در قبال دیگر کشورها نقش مؤثری بازی کند. رویکرد ملی‌گرایی می‌تواند به ایجاد موج پوپولیستی و جنبش‌های حمایت‌گرایانه از گفتمان جدید ملی در شعارهای راست افراطی ایجاد شود و موجب گرایش‌های نوظهوری در رفتار انتخاباتی مردم شود. در واقع گفتمان خصمانه مطرح‌شده علیه اقلیتی یا اقلیت‌ها در شعارهای راست افراطی ریشه در تعصب و ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و پیشینه تاریخی آن ملت دارد (دهشیری و جعفری فر، ۱۳۹۷: ۸۰). در خصوص اقداماتی خاص در امنیتی‌سازی کاری که مارین لوپن انجام داد تأکید صرف بر تروریست نبود، او توانست تروریست را به مهاجرت پیوند بزنند. در واقع حملات تروریستی رخ داده در سراسر فرانسه و بقیه اتحادیه اروپا به مارین لوپن برای پیشبرد مشروعیت او و جایگاهش در پای

صندوق‌های رأی اجازه داده است. او از هر فرصتی برای بهبود باورهای بیگانه‌هراسی و ایدئولوژی‌اش استفاده کرد. در واقع به‌عنوان یک موضوع در ماه نوامبر در یک نظرسنجی که اخیراً انجام گرفته شده حدود ۳۱ درصد از مردم فرانسه معتقدند مارین لوپن با "موضع تندرو در موضوع اسلام رادیکال کمک خواهد کرد تا فرانسه به مکان امنی تبدیل شود و به جنگ علیه ترور" پایان دهد. از همان گروه از مردم خواسته شد تا بگویند به باور آنها چه چیزی به‌عنوان بزرگ‌ترین مشکل فرانسه است، ۷۲ درصد از آنها به موضوع "مهاجرت" در عوض "تروریسم" پاسخ دادند (mcguinness, 2016). این نوع برخورد ثابت می‌کند آن تصویر قدرتمندی که مارین لوپن در استفاده از ترس از تروریسم در پیشبرد اهدافش و جبهه ملی بوده است؛ خیرت ویلدرز رهبر راست‌گرایان هلند، سیاستمداری اسلام‌ستیز و جنجال‌آفرینی است که بیشترین جنجال‌هایش را به دلیل اندیشه‌های اسلام‌ستیزانه‌اش در هلند است. او آخرین هشدار به غرب را نه درباره مسلمانان بلکه درباره اسلام و قرآن بیان می‌کند (صالحی و جعفری فر، ۱۳۹۸: ۱۴-۱۳).

جمع بندی

امنیت در اروپا از مهمترین چالش‌هایی است که مرتبط با اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورهای اروپایی بوده است. شکل نوینی از نا امنی‌ها از سوی تروریست‌هایی است که مذهبی‌اند و ریشه‌ی آنان در خاورمیانه می‌باشد. از همین رو احساس و نگرشی که نسبت به این تروریست‌ها وجود دارد بی‌تأثیر بر رفتار دولت و شهروندان کشورهای اروپایی نسبت به ساکنین غیر بومی اروپا که به آن مذهب گرایش دارند نخواهد بود. در هم آمیختن مسلمانان و تروریسم، سبب شد تا زمینه‌های رشد احزاب راست افراطی فراهم گردد. به وجود آمدن اسلام‌هراسی و مهاجران‌مسلمان‌هراسی این برداشت که مسلمانان مروج تروریسم است، باعث شد تا راست افراطی در اروپا به عنوان نماینده مبارزه با امنیت مردم و کشور تلقی شود. بروز حوادثی از جمله حوادث تروریستی که در در لندن، مادرید، پاریس و بروکسل در ۲۰۱۵ رخ داد باعث شد که مهاجرت به تروریسم یک جنبه حساسیت‌زا پیدا کند. احزاب افراطی از این فرصت استفاده کردند و موج جدیدی از اسلام‌ستیزی را در اروپا به راه انداختند که منجر به اقبال شهروندان به گفتمان این احزاب شد. بنابراین با سیل مهاجرانی که از سوی خاورمیانه به سوی کشورهای اروپایی روانه شد بنظر می‌رسد که مسلمانان چنان در مظان اتهام به عنوان تهدید امنیتی شناخته شدند که باعث شد احزاب راست افراطی پله‌های ترقی را در انتخابات طی کنند. این واقعیت که قدرت‌یابی احزاب راست در بعد از ۲۰۱۴ در کشورهای اروپایی بیشتر متأثر از حضور مهاجران بوده است نشان‌دهنده این است که احزاب راست افراطی توانسته‌اند بین حوادث ناامنی خاورمیانه، مهاجرت اجباری مردم از غرب آسیا به اروپا و انتخابات در اروپا پیوند ایجاد کنند. شعارهای آنها مبنی بر نارضایتی از پذیرش مهاجران به صورت گسترده به

کشورهای اروپایی این سوال را ایجاد میکند که راست افراطی به چه منظوری تلاش داشته است تا شعارهای خود را به سمت مهاجران نشانه برود و بسیج مردم برای رای دهی به این احزاب حول دغدغه‌های مشترکی به نام مهاجرت چرا شکل گرفته است.

منابع

آقابخشی، علی؛ افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۴)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

جعفری فر، احسان؛ صالحی، حمید؛ ملکی، ایرج؛ الهی نیا، میلاد (۱۴۰۱)، قدرت یابی

راست افراطی و چالش‌های سیاست اروپایی، فصلنامه مطالعات سیاست بین الملل

دوره ۲، شماره ۲، شماره پیاپی ۳، تابستان ۱۴۰۱، صص ۱۳۱-۱۰۹

دهشیری، محمدرضا، قاسمی، روح‌الله (۱۳۹۵)، خیزش راست افراطی و تأثیر آن بر آینده-ی مسلمانان در اروپا، انتشارات وزارت امور خارجه.

دهشیری، محمدرضا؛ جعفری فر، احسان (۱۳۹۱)، مخالفت حزب آزادی اتریش با کشور

ترکیه (۲۰۱۶-۲۰۰۸)، فصلنامه راهبرد سیاسی سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۹، صص

۷۹-۹۸.

صالحی، حمید؛ جعفری فر، احسان (۱۳۹۸)، بررسی دلایل موفقیت حزب آزادی هلند (با

تأکید بر بحران هویتی)، دو فصلنامه ایرانی مطالعات اروپا، سال اول، شماره ۲، صص

۱-۲۱.

عبداله خانی، علی (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، موسسه ابرار معاصر، چاپ دوم

محمدنیا، مهدی؛ علیپور گرجی، محمود (۱۴۰۰)، خیزش مجدد گفتمان راست افراطی در

اروپا و تقابل با مسلمانان در عصر بیداری اسلامی، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی،

سال دهم، شماره سوم، صص ۱۶۷-۱۳۹

مهتدی، ابوالفضل (۱۳۹۷)، احزاب دست راستی و همگرایی اروپایی (با تأکید بر همگرایی اجتماعی و اقتصادی)، پایان‌نامه ارشد دانشگاه مفید قم، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

نورعلیوند، یاسر (۱۳۹۶)، تأثیر تروریسم بر راهبرد اتحادیه اروپا در غرب آسیا، فصلنامه مطالعات راهبردی سال بیستم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶، شماره مسلسل ۷۷

Buzan, Barry and Hansen, Lene (2009) *The Evolution of International Security Studies*, Cambridge, Cambridge University Press;

European Commission. (2017). *EU and Terrorism*. Retrieved from http://ec.europa.eu/home-affairs/what-we-do/policies/crisi-and-terrorism_en.

KIRCHICK, J. (2019, 03 06). Ignoring Immigration Is Empowering the Far Right. Retrieved from <https://www.the-american-interest.com/2019/03/06/ignoring-immigration-is-empowering-the-far-right/>

Perrineau, P. (2016, September 19). *Europeans and Migratory Issue*. Retrieved August 20, 2017, from Robert Schuman Foundation: <https://www.robert-schuman.eu/en/european-issues/0403-europeans-and-the-migratory-issue>

Theguardian. (2014, feb 16). British jihadism in Syria poses lasting problem for UK security, says minister. Retrieved from <https://www.theguardian.com/uk-news/2014/feb/16/british-jihadism-syria-uk-security-minister>

Vidino, L. (2010). *The new Muslim brotherhood in the West*. Columbia University Press.

meret, susi (2010). *the danish people's party, the italian northern league and the austrian freedom party in a comparative perspective: party ideology and electoral support (phd thesis)*. pp. 198-199. university of aalborg. issn 1903-7783.

Keohane, D. (2008). *The Absent Friend: EU Foreign Policy and Counter-Terrorism*. *JCMS: journal of common market studies*, 46(1), 125-146.

mcguinness, romina. "shock poll shows one third of french think right-winger marine lepen would save country." [express.co.uk](http://www.express.co.uk/news/world/728925/marine-lepen-french-national-pollimmigrants). november 03, 2016. accessed november 29, 2016

